

حاجی میرزا حیدر علی

نسخه خطی از این مجموعه سؤالات به عنایت لجنة ملی محفظة آثار و آرشیو امری برای درج در آهنگ بدیع رسید که با تشکر از آن لجنة، عیناً به نظر خوانندگان عزیز می رسد.

از حضرت حاجی میرزا حیدر علی رُوحی فِداه است.

از حضرات علمای اعلام وَفَقَّهُمُ اللهُ تَعَالَى عَلَى إِحْقَاقِ الْحَقِّ وَ إِزْهَاقِ الْبَاطِلِ به کمال خضوع و خشوع سؤالاتی دارم مستدعی است جواب را مرقوم و به خاتم شریف مزین فرمایند:

سؤال ۱- معجزات و خوارق عاداتی که مسلمین از حضرت خاتم انبیاء و مبدء اصفیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ وَ رُوحُ الْعَالَمِينَ لِثَرَبَتِهِ الْفِدَاءِ روایت می فرمایند و ملل موجوده فوق الارض به اصرار انکار دارند، از مسلمین باید قبول نمود و یا از منکرین؟

سؤال ۲- شواهد و اماراتی که علمای اسلام از تورات و انجیل برای طلوع نیر بطحاء رُوح ما سیواه فِداه معنی و تفسیر و تعبیر می فرمایند و علمای ملت انجیل و تورات آن تفاسیر و تعابیر را غلط می دانند از علمای اسلام بشنویم و تصدیق کنیم و یا از علمای تورات و انجیل؟

سؤال ۳- بعد از جواب آن دو مسئله حق سبحانه و تعالی ملت تورات و انجیل را به تورات و انجیل موجوده بین آیدیهوم معامله می فرماید و ثواب و عقاب می نماید یا به تورات و انجیل آسمان رفته و یا تحریف شده که ندیده و نشنیده و ندانسته اند. اگر معامله اش به آسمان رفته تحریف شده است فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ یعنی چه فلیاتوا بکتاب هو اهدی منهما اتبعه چه معنی دارد و مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ را چه کنیم و كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا را چه معنی نمائیم و حال آن که به آسمان رفته و تحریف هم شده صحیح است بعد از اقرار و نوشتن این که به همین تورات و انجیل موجوده مسئولند.

سؤال ۴- در این دو کتاب صریح است که کتابی بعد از تورات و کذلبک کتابی بعد از انجیل از جانب ربّ جلیل نازل نخواهد شد و شریعت تورات ابدیست و زوال آسمان و زمین ممکن است و تغییر حکم انجیل مُحال و مُمتنع چه کنیم و چه معنی نمائیم و چه جواب گوئیم؟

سؤال ۵- در تورات و انجیل علائمی برای ظهور مذکور است که در اشراق نیر خاتم انبیاء رُوح ما سِواه فِداه به حسب ظاهر جسمانی و فهم بشری واقع نشد بر عقبه یهود و نصاری نَعُوذُ بِاللّهِ بِرُوحِ بَرِکَاتِهِ وَ نَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ تَكْذِیْبَ نَمَائِمِ چَهِ کَنیم و چه جواب گوئیم؟

سؤال ۶- موعود تورات و انجیل شخص معین متولد شده قبل است و اسمش عیسی و احمد و محمد نیست چه کنیم و چه جواب گوئیم و صواب چیست و حقیقتش چه؟

سؤال ۷- هر که بیاید و ظهور کند مروج و مکمل است نه ناسخ و مُجَدِّد.

سؤال ۸- بعضی قصص در قرآن نازل که در کتب عتیق آسمانی و تواریخ ملل عتیقه نیست و حجاب عظیم و سدّ جسیم ملل شده است و نسبت هائی که نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ اَنْ یُّتَّقَوْهَ بِاللِّسَانِ اَوْ یَخْطُرَ بِالْجَنَانِ می دهند جواب حکمت یا موعظه یا مجادله بِاَلْتِی هِیَ اَحْسَنَ و یا اِسْکَاتِی و اِلْزَامِی چیست؟

سؤال ۹- در اسماء و صفات ذاتی حضرت واجب الوجود تمیز و تفصیل است و یا حیات عین علم است و هر دو عین سمع است و هر سه عین بصر است و بهیچوجه مِنَ الْوُجُوهِ غَیْرِیَّتِ و اِثْنِیْنِیَّتِ مَتَّصِرٍ و معقول نیست و کَمَالُ التَّوْحِیْدِ نَفِی الصِّفَاتِ عَنْهُ است توضیح به عبارت صریح فرمائید؟

سؤال ۱۰- مُکَذِّبِ کَتَبِ آسْمَانِی مُصَابِیْتِ نَعُوذُ بِاللّٰهِ یَا مُعَاقِبِ است؟ اگر مُصَابِیْتِ حَجَّتِ اَلْهٰی تَمَامٌ و بِالْبَالِغِ و کَامِلٌ نَبُوْدَه و اِگَر مُعَاقِبِیْنِیْدِ اَز چَهِ رَاهِ حَجَّتِ بَرِ اِیْشَانِ بِالْبَالِغِ و تَمَامٌ شُدَه؟

سؤال ۱۱- ملل موجوده فوق ارض که تکذیب قرآن نموده اند که اَلْعِبَادُ بِاللّٰهِ اَز خُدا نِیْسْتِ دَانِیْسْتَه اَنْدِ و تَكْذِیْبِ كَرْدَه اَنْدِ یَا نَدَانِیْسْتَه اَنْدِ؟

سؤال ۱۲- حضرت غیب منیع لا یدرک لا یوصف لا یشار لا ینکر لا یعرف که خاتم انبیا در آن ساحت جلال قدس، ما عَبْدِنَاکَ فَرْمُوْدَه و دَر اَن بَسَاطِ اِجْلَالِ اَنْسِ زِدْنِی فِیْکَ تَحْیِیْرًا اِظْهَارِ نَمُوْدَه، مَقْدَسِ اَز ظُهْرٍ و بَطُوْنِ و حَضْرٍ و غِیْبِیَّتِ و اَوَّلِیَّتِ و اَخْرِیَّتِ و صَعُوْدِ و نَزُوْلِ و حَلُوْلِ و دِخُوْلِ اِسْتِ یَا نَعُوذُ بِاللّٰهِ مَقْدَسِ نِیْسْتِ؟ اِگَر مَقْدَسِ اِسْتِ هُوَ الْاَوَّلُ وَ الْاٰخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ الْغَائِبُ وَ الْحَاضِرُ، مَظَاهِرِ و مَطَالِعِشِ کِیْسْتِ؟

سؤال ۱۳- ما اَمَرْنَا اِلَّا وَاِجْدَةً وَا مَا خَلَقْنَاکُمْ وَا لَا بَعَثْنَاکُمْ اِلَّا کَنْفَسٍ وَاِجْدَةً یَعْنِی چَهِ وَا لَا نُفَرِّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَا تِلْکَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلٰی بَعْضٍ رَا چَهِ قَسْمِ تَطْبِیْقِ نَمَائِمِ؟

سؤال ۱۴ - كُنْتُ نَبِيًّا وَ أَدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطَّيْنِ تَقَدَّمَ زَمَانِي اسْتِ يَا رُتْبِي؟ أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ أَنْ وَجُودِ مَبَارَكِ اسْتِ نُوْرًا يَا جِسْمًا مَقْصُودِ اسْتِ؟

سؤال ۱۵ - میزانی که به آن اختلاف به ائتلاف تبدیل شود و نفاق به وفاق و اعتساف به انصاف چیست؟ اگر حس است کَمَا اتَّفَقَ عَلَيْهِ حُكْمَاءُ الْمُعَاصِرِينَ مِنَ الْأَفْرَنَجِ تَرَى السَّرَابَ شَرَابًا عَذْبًا وَ الْحَالَ إِنَّهُ سَرَابًا وَ فِي الْمَرَايَا صُورًا مُحَقَّقَةَ الشَّهْوَدِ وَ إِنَّهَا شَبَّحَ عَارِيَةً عَنِ الْوُجُودِ وَ النَّقْطَةَ الْجَوَالَةَ فِي الظَّلْمَةِ دَائِرَةً وَ خَطًّا مُمْتَدًّا وَ الْحَالَ لَيْسَ كَذَكَ وَ أَمْثَالَ ذَلِكَ. اگر عقل است چنانچه اشراقیین و مشائیین و حکمای متقدمین فرموده اند مشاهده می شود جمیع در معقولات اختلاف کرده اند. و اگر برهان مسلم بود اختلاف متصور نبود و علاوه برهان عقلی نتیجه مقدمات حسّی است و اشتباه حسّ محسوس است. و اگر نقل است اختلال در اختلاش بیشتر است چه که ناشی از مدّرك و مشعر است و اختلاف مشاعر و مدارک بدیهی است و علاوه مؤمنین به کتب آسمانی در فهم اختلاف نموده اند. و اگر الهام است کَمَا زَعَمَهُ الْعُرَفَاءُ مِنَ الصَّوْفِيَةِ هُوَ عِبَارَةٌ عَنْ خُطُورَاتِ قَلْبِيَّةٍ مِنْ أَيْنَ يُبْرَهُنَّ إِنَّهُ الْهَامَاتُ رَبَّانِيَّةٌ أَوْ تَسْوِيَلَاتُ شَيْطَانِيَّةٌ. فالميزان المتفق عليه ما هو برهان رافع اختلاف چیست؟

سؤال ۱۶ - عَرِشِ اسْتَوَى عَلَيْهِ الرَّحْمَنُ فُوَادِ مَبَارَكِ مَشَيْتِ أَوَّلِيهِ اسْتِ كِه مَحَلِّ تَجَلَّى أَنْ سُلْطَانِ السَّلَاطِينِ غَيْبِ وَ شَهْوَدِ اسْتِ وَ يَا عَرِشِ مَجْسَمِ وَ اسْتِوَاءِ تَصَوُّرِي وَ يَا فِرْضِي وَ يَا عَقْلِي وَ يَا ذَهْنِي اسْتِ؟

سؤال ۱۷ - معاصرین ریاضیین معقول و محسوس نموده اند سموات و عرشی نیست، فضائی است رحیب و وسیع این قسم مرعی است سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَسَبْعَ كُرْسِيَّةِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ نَطَوَى السَّمَاءَ وَ انْكَسَفَ شَمْسٌ وَ انْخَسَفَ قَمَرٌ وَ سَقُوطِ نَجُومٍ وَ انْفِطَارِ سَمَاءٍ وَ جَمْعِ شَمْسٍ وَ قَمَرٍ كِه از علائم محتومه قیامت است چه معنی کنیم و تعبیر نمائیم برهان لا نَسْلَمُ و این عقیده کفر است مسموع و مقبول، یا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِي مَنْ حَيَّ عَن بَيِّنَةٍ صَحِيحِ اسْتِ؟

سؤال ۱۸ - قرآن نسخه است از حکیم حقیقی الهی که در این عالم حفظ صحت ایمانی خلق را نماید و دفع مرض ایمانی را. اگر چنین است بیاناتش محقق الوقوع است و راه فهم و حُجِّيَّتِ و ادراک معانیش مفتوح است و اِنْدَارِ مُفَسِّرٍ رَا بِرَأْيِهِ فَلْيَنْبَوِّءْ مَقْعَدَهُ فِي النَّارِ بِيَانِ حَقَائِقِ وَ كَشْفِ دَقَائِقِ اسْتِ قَبْلِ يَوْمِ تَأْوِيلِ. مثلاً مؤمن به قرآن اهل جَنَّتِ اسْتِ وَ دَرِ جَنَّتِ غُرْفِ وَ حُورِيَّاتِ وَ غِلْمَانِ وَ أَنْهَارِ وَ أَشْجَارِ وَ قَوَائِكِ وَ أَثْمَارِ اسْتِ وَ كَذَلِكَ صَرَاطِ مَمْدُودِ اسْتِ وَ مِيزَانِ مَنْصُوبِ اسْتِ وَ حِسَابِ بَشَائِي كِه لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا اسْتِ وَ لِي حَقَائِقِ اسْتِ مَقَامَاتِ مَكْتُومِ اسْتِ.

سؤال ۱۹ - قرآن در این عالم خلق را مربی و مُهَدَّبِ وَ مُقَرَّبِ إِلَى اللهُ اسْتِ وَ يَا دَرِ دَارِ آخِرَتِ هَمِ تَرْبِيَّتِ وَ تَهْذِيبِ وَ مَجَاهِدِ وَ سَلُوكِ وَ اِقْبَالِ وَ اِعْرَاضِ وَ اِقْرَارِ وَ اِنْكَارِ وَ شَبْهِهِ وَ اِرْتِيَابِ وَ اسْتِكْبَارِ مَتَصَوَّرِ وَ مَعْقُولِ اسْتِ؟

سؤال ۲۰- این عالم اجسام و مرکباتست و عالم بعد از خلع ارواح از اجسام جسمانی و مرکب است و یا روحانی و مجرد ولو مسبوق به علت است و معاد جسمانی در عالم اجسام است و یا در عالم مجردات؟

سؤال ۲۱- جابلقا و جابلصا اگر از خشت و گل و یا گچ و آجر است چرا مخفی از ابصار و مستور از انظار است و حال این که علم رَسْمُ الْأَرْضِ که به جغرافیا معروف است اطفال مدارس می دانند.

سؤال ۲۲- ملل موجوده فوقُ الْأَرْضِ الْيَوْمِ هفت ملت است: بودیه که اهالی هندند و برهمیه که اهالی چینند و فتنسی که اهالی افریکند زردشتی که ایرانی الاصلند و یهود و نصارا و مسلمین که این سه ملت آن چهار را بت پرست و کتیشان را از خدا نمی دانند و هر یک ازین ملل کتاب دارند و شریعت دارند و به اختلافِ مَذَاهِبِهِمْ اَمْتِ آن پیغمبر و مؤمن به آن کتاب هستند و در میانشان عالم و جاهل عاقل و غافل ناقص و کامل فاسق و متقی مجتهد و مقلد عارف و متعصب محقق و نادان موجود و هر یک از بزرگان دیانت خود معجزات و خوارقِ عادات معتقدند و نوشته اند بلکه از مقابر و معابد و بقاع هم هر روز خوارقِ عادات حکایت کنند و بلکه از عباد و زهاد و مُرتاضینِ احبای خود هم دیده و می بینند و بسیار ثابت و راسخ و معتقد و جازمند در این حالت بیّنه و برهان و فاصل بین حق و باطل چیست؟

سؤال ۲۴- معجزه بودن قرآن و حُجَّتِش از چه راه است؟ اگر فصاحت و بلاغت است جمعیت روی زمین تقریباً ۴ هزار کرور است و فصاحت دان و بلاغت فهم زبان عرب البته از هزار بیش نیست بر باقی ناس چه نحو حُجَّتِ تمام و بالغ است و تقلید در اصول دین جایز نیست و اگر جایز است از علمای ملت خود تقلید کرده اند و حال علمای ملل هم معلوم است و انگهی از هزار فصاحت دان اقلأ پانصد نفر علمای فصیح بلیغ مسلم بین مسلمین نصرانی هستند و به بانگ بلند انکار فصاحت قرآن را می نمایند و علاوه علی ذلک علم اکتسابی و صنعت است هر نفسی بیشتر کوشد پیشتر رود و حَدِّ يَقِفْ ندارد که بتوان فوق آن را از قوه بشر مُحال دانست و اگر حُجَّتِ و معجزه بودنش در خبر به وقایع بعد است حُجَّتِ تمام نیست باید صبر نمود تا واقع شود و بعد از وقوع هم راه هزار شبهه اش مفتوح است که مُصادفه است و انگهی در هیچ جای قرآن نه تَحَدَى به فصاحت و بلاغت فرموده که *إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنْ فَصَاخَةِ مَا نَزَّلْنَاهُ وَ نَهْ بِهِ اخْبَارِ بَعْدَ كِهْ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا آخِرْنَا هُ مِنْ بَعْدُ فَآتُوا بِخَيْرٍ مِثْلِهِ* و اگر دارای علم اولین و آخرین است بر احدی معجزه نیست زیرا که احدی علم اولین و آخرین را ندارد.

سؤال ۲۵- اگر حُجَّتِ خاتم انبیاء و معجزه مبدء اصفیا معجزات و خوارقِ عادات مَسْمُوعَهُ مَنقُوله است اول آن که جمیع ملل موجوده مُنکِرند و مُقَرِّی سِوایِ دَاخِلَهْ اسلام نیست ثانیاً در قرآن نیست که تَحَدَى به معجزات و خوارقِ عاداتِ مُقْتَرَحَهْ فرموده باشد بلکه صریح قرآن است که معجزاتِ مُقْتَرَحَهْ قوم را جواب نفرموده و اجابت ننموده و بلکه رَدَّ فرموده و انکار کرده.

سؤال ۲۶- وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ
بِحَاجِرِينَ. هر متولد شده البته فوت می شود این چه نحو استدلال است و چه قسم برهان؟

سؤال ۲۷- أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ. فِتْنَتِيهِ و بودیه و بُرَاهِمِيهِ و زردشتیه چهار
ملت بزرگند و شریعت هم دارند و کتاب هم دارند چه گوئیم و جواب چیست؟

سؤال ۲۸- إِنْ الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّكَ خُذُوا دَعْوَتِي وَاجَابَتِي
سِوَى دَعْوَتِ انبِيَاءِ مُتَصَوِّرٍ وَ مَعْقُولٍ هَسْتَ وَ اسْتُجِيبَ مَفْرَدٌ اسْتَ قَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ.

سؤال ۲۹- جُنْدَالِهِ هُمُ الْغَالِبُونَ وَ يَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. جُنْدِي وَ نوری برای خدا اعظم از
سیدالشهداء و ائمه هدی و حضرت عیسی و انبیای الهی در غیب و شهود متصور است؟ نَسْتَعْفِرُ اللَّهَ. مَعَ ذَلِكَ
در نهایت مظلومیّت و مغلوبیّت و مقهوریّت شهید شدند رُوحُ الْوُجُودِ لِذِمَائِهِمُ الْمَسْفُوكَةِ الْمُطَهَّرَةِ فِدَا چگونه غلبه
و تمامیّت نور را ثابت نمائیم؟

سؤال ۳۰- صُمُّ بُكُمْ عُمَى فَهَمْ لَا يَعْقِلُونَ لَا يَرْجِعُونَ إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى إِنْ اللَّهُ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ
مَنْ فِي الْقُبُورِ أَمْوَاتٌ غَيْرَ أَحْيَاءٍ وَ مَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ مقصود چه کوری و کری و گنگی و موتی است؟

سؤال ۳۱- در این عصر که علوم و صنایع و حکم و بدائع نسبت به قبل یک به هزار ظاهر و دانشمندان چون
ضیاء سپهری درخشنده و باهر و ظلمت ضلالت خرافات عتیقه اُمم را به نور دانش و تمدن و آداب انسانیّت
تبدیل نموده اند و حُجُبَاتِ غَلِيظَةٍ او هام را بکلی خرق فرموده اند به شأنی که جهان جهان و عالم امکان
طراوات و صفای بی اندازه یافته این ترقی و عُلوّ و سُمُوّ ممکن است مگر به تجلّی و اشراق انسان کامل که
جامع جمیع کمالات لانهایه انسانی است که به اصطلاح اهل ادیان مشیّتِ اوّلیّه و مظهرِ آسماء و صفاتِ ربانیّه
است و به اصطلاح حکمای قبل و بعد عقلِ اوّل که محلّ ظهورش در انسان است.

سؤال ۳۲- انبیاء را اگر خدا فرستاده و کتبشان از او تعالی است مِنْ بَابِ كَتَبَ عَلَيَّ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ وَ إِنَّا لَنُنصِرُ
رُسُلَنَا بِرِ الْوَعْدِ وَ نُنزِلُ الْوَحْيَ بِالْحَقِّ وَ نُنزِلُ الْوَحْيَ بِالْحَقِّ وَ نُنزِلُ الْوَحْيَ بِالْحَقِّ وَ نُنزِلُ الْوَحْيَ بِالْحَقِّ
و رموز و دقائق و رقائش را ظاهر نماید و نگذارد خلق به برهان فرستادگانش را تکذیب نمایند چنانچه
مشهود و مسموع است.

از حکمای عالم و فلاسفه اُمم سؤال می شود امری که در بادی نظر مخالف عقل و عقیده جمیع بشر باشد و هر
قدر هم نفوس را در ظلّش درآورد و ترقی دهد مخالف نفس و هوای و مُنافی طبیعت بشریّه و مُباین مُلَائِمَاتِ
جسمانیّه باشد و پیش رود و غلبه نماید نسبت چنین امری را به چه قوه باید نسبت بدهیم و بانی و مؤسس و
مُبدِع و موجدش کیست و چیست. از ناقضین عهد قدیم و مُنازِعین با امرِ عظیم سؤال می شود ممکن و متصور

است نفسی معتقد شود عالم را مربّی و صانعی نیست همت و تدبیرات و اسباب چینی و تزویر است لذا همت نماید و نفوسی را با خود متفق کند و مدت پنجاه سال هر قدر تدبیر نمایند و مقدمات صحیحه هم به عقول بشریه ترتیب دهند نتیجه به خلاف مقصود ظاهر شود اگر فی الجمله ادراک داشته باشند متذکر می شوند این عالم را صانع و مدبّر نیست و او تعالی بر ضدّ این نفوس است یا باز می توانند شبهه نمایند؟ و بعد از نوشتن این جواب ها این فانی صرّف که امیدوارم به قطره از علم الهی فائز شده باشد بحول الله و قوّته به ترجمه ظاهر قرآن و اخبارش این امر اعظم و جمیع علامات و امارات و آیات و بیّنات و کلیات و جزئیاتش را ثابت می نماید بلکه نبوّات قبل را هم ثابت می کند و جمیع شبهات را رفع می کند به شرط حضور اولیای دولت ابد مدت و اذن حضرت شهریار تاجدار ایدّه الله و ادام الله ایام سلطنته العلیّه العالیّه.